



وحدت یا دوگانگی مصرف بیت‌المال مسلمین و اموال منصب امامت

حسینعلی بای

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

h.bay110@yahoo.com

محمود حکمت‌نیا (نویسنده مسئول)

ستاد تمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

dr.hekmatnia@yahoo.com

چکیده

بیت‌المال خزانه دولت اسلامی بوده و حقوق و تکالیف متعددی بر این عنوان فقهی و حقوقی در روایات و عبارات فقها مترتب شده است. با وجود استعمال فراوان واژه بیت‌المال در نصوص شرعی و متون فقهی و آثار مهم مترتب بر آن، تعریف روشنی از این عنوان، صورت نگرفته است. در برخی از نوشته‌های فقهی بیت‌المال امام، مستقل از بیت‌المال مسلمین در نظر گرفته شده و به دنبال آن، مسئولیتها و وظایف این دو، متفاوت دیده شده است. عمده دلیل مستقل انگاری بیت‌المال مسلمان‌ها از بیت‌المال امام، متفاوت بودن منابع درآمدی این دو است. ما در این نوشته با بررسی روایات وارده در باب دیه و ارث، به بررسی وحدت یا ثنویت این دو عنوان پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده ایم که این دو عنوان - دست کم - در ارث و دیه حکایت از مفهوم واحدی دارند. مهم در یکی انگشتان بیت‌المال امام و بیت‌المال مسلمین، یکی بودن موارد مصرف و هزینه کردها؛ وحدت هزینه کننده این اموال و کیفیت اداره آن است که در هر دو مورد مشترک است.

واژگان کلیدی

بیت‌المال، اموال عمومی، بیت‌المال مسلمین، بیت‌المال امام، اموال امام.



مقدمه

در کلمات فقها در موارد متعددی حقوق یا تکالیفی برای بیت‌المال به‌عنوان یک شخصیت حقوقی، ذکر شده است. حقوقی مانند وارث دیه یا ارث بلاوارث تلقی شدن بیت‌المال تا تکالیفی همانند پرداخت دیه، حقوق کارکنان و مستخدمان دولتی، تأمین هزینه‌های جنگ و پرداخت غرامت آزادی اسرای مسلمان. در هیچ روایتی عنوان بیت‌المال امام به‌کار نرفته است. بیت‌المال امام عنوانی است که بعدها در کلمات فقهای همچون ابن‌ادریس، محقق حلی و علامه حلی (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۰۸ / محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۷۳ / علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۴۴) وارد متون فقهی شد. برخلاف بیت‌المال امام، عنوان مطلق بیت‌المال یا بیت‌المال مسلمین به دفعات در روایت به‌کار رفته است که فقهای یاد شده و بسیاری از تابعین آنها، گاه عناوین را بر بیت‌المال امام حمل کرده‌اند درحالی‌که گروه دیگری از فقها (گروه دوم) ظهور این عناوین را در معنای همان بیت‌المال مسلمان‌ها دانسته‌اند. این اختلافات آنگاه شدیدتر شده است که در برخی از روایات اموالی به امام تعلق گرفته یا در اختیار او قرار داده شده است که در این موارد گروه دوم، مقصود از این اموال را اموال مسلمین دانسته‌اند.

به‌کاررفتن تعابیر مختلف در لسان ادله و روایات، موجب تشتت آرای فقها و به تبع آن تشتت مقررات و قوانین در نظام جمهوری اسلامی ایران شده است به‌نحوی که گاه این دو عنوان مستقل از هم تلقی و برخی از وجوه و درآمدهای عمومی به جای واریز شدن به خزانه عمومی به حساب صد امام واریز و به‌عنوان اموال ولی فقیه محسوب شده است.

با عنایت به اینکه برخی از فقها قائل به وحدت بیت‌المال مسلمین از بیت‌المال امام و برخی دیگر قائل به تفکیک بین آن دو شده‌اند و این تفاوت رویکردها دارای اثرات قابل توجهی در نظام مالی حکومت اسلامی است، در این تحقیق با مروری بر روایاتی که در آن عنوان امام، بیت‌المال یا

بیت‌المال مسلمین به کار رفته است، سعی شده است تا دوگانگی یا وحدت این عناوین کشف شود. عمده این روایات در دو باب ارث و به‌ویژه دیات وارد شده است، که به بررسی اجمالی آنها خواهیم پرداخت.

تا آنجا که ملاحظه شد، تنها برخی از فقها به‌صورت جسسته و گریخته به مناسبت بحث از برخی فروعات فقهی اشاراتی به نسبت بین بیت‌المال مسلمین و بیت‌المال امام داشته‌اند و ورود تفصیلی و روشمند به این موضوع نداشته‌اند. ظاهراً دلیل این امر آن بوده که نه بیت‌المال مسلمین و نه عمده اقلام منصب امامت در دست ایشان بوده که این موضوع به مساله و دغدغه فکری ایشان تبدیل شود. ما در نوشته حاضر با تتبع نسبتاً جامع در روایات باب دیه و ارث و تجمیع آنها به این نتیجه دست یافته‌ایم که این دو مال عمومی مصرف واحدی دارند.

۱. مفهوم بیت‌المال امام و بیت‌المال مسلمین

اصطلاح بیت‌المال را باید به‌معنای «خانه دارایی‌ها و اموال» (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۵۵۷) دانست لیکن نه هر نوع دارایی و اموالی بلکه اموالی که به‌صورت عین و منقول بوده و امکان نگه‌داری آن در یک بنا و ساختمان وجود داشته باشد.

بیت‌المال که خزانه و منبع مالی حکومت اسلامی بوده در صدر اسلام بنا و مکانی بوده که در آن اموال منقول عمومی و دولتی، از قبیل زکات، خراج، صدقات، خمس غنائم و... نگهداری می‌شد. این اصطلاح بعدها در مطلق اموال عمومی و دولتی، اعم از منقول و غیرمنقول استعمال شد (ر.ک: صدر، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۴۹۴/ حسینی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۳۸۴-۳۸۶/ نیز ر.ک: جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۱۵۵/ سجادی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۲۸۴-۲۹۵/ رحمان ستایش، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۸۵).

۱-۱. بیت‌المال امام (اموال حاکمیتی)

بیت‌المال امام، اموال متعلق به منصب امامت را گویند که انفال مهم‌ترین آنها بوده و امام برای اداره جامعه اسلامی، با لحاظ مصالح مسلمان‌ها و مصلحت دین در اختیار دارد. عبارت ترکیبی بیت‌المال امام (بیت مال‌الإمام) در روایتی نیامده است و تا آنجایی که جست‌وجو شد، اولین بار به این شکل مرحوم ابن‌ادریس آن را در کتاب سرائر آورده است (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۳۷) پس از ابن‌ادریس این اصطلاح در بین فقها رایج شد (ر.ک: فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۶۷/ محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۷۳/ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۸۹/ فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ص ۴۷) آنچه که از کلمات فقها به دست می‌آید مقصود از بیت‌المال امام، اموال مربوط به منصب امامت می‌باشد که در برخی روایات از جمله روایت علی بن راشد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۳/ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۵۹) به آن اشاره شده است. مرحوم صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۳۹، ص ۲۶۱) در ذیل بحث وارث شخصی که به جز امام وارثی ندارد، بیان نموده علت به کار رفتن عبارت بیت‌المال به جای امام در ابواب مختلف فقه توسط فقها، توجه دادن به این نکته بوده که اموال مزبور مال شخصی امام نبوده و متعلق به منصب امامت است.

۱-۲. بیت‌المال مسلمین (اموال عمومی)

بیت‌المال مسلمان‌ها عبارت از اموالی است که متعلق به همه مسلمان‌ها بوده و منیع در آمدی آن غالباً از درآمدهای اراضی مفتوحه یا موقوفات عام هست. اصل این اموال (اراضی مفتوحه و موقوفات) قابل نقل و انتقال نبوده و متعلق به تمامی نسل هاست لیکن عواید و منافع آنها در هر امری که دارای مصلحت برای جامعه اسلامی باشد، هزینه می‌شود و باقیمانده آن به نسبت مساوی بین مسلمان‌ها تقسیم می‌شود.

۲. نسبت بین بیت‌المال امام و مسلمین در روایات دیه

در روایات باب دیات، آنجا که مسئول پرداخت دیه نهاد حاکمیتی است تعبیر متفاوتی به کار رفته که موجب اختلافاتی بین فقها نسبت به مسئول پرداخت دیه شده است. در این قسمت پس از بیان روایات مزبور سعی شده است تا میان تعبیر متفاوت روایات و با تمسک به خود روایات جمع منطقی صورت پذیرد.

در روایات مربوط به پرداخت خونبها، گاه مسئولیت پرداخت دیه بر عهده امام قرار گرفته و گاه بر عهده بیت‌المال و گاه بیت‌المال مسلمین و گاه نیز پرداخت دیه از بیت‌المال و توسط امام تعیین شده است که به بیان این روایات خواهیم پرداخت.

۲-۱. پرداخت دیه توسط امام

بر اساس ظاهر یک دسته از روایات که در ادامه، به برخی از آنها اشاره خواهد شد، پرداخت دیه بر عهده امام است با این حال در این روایات مشخص نشده است که آیا امام این اموال را از اموال منصب امامت می‌پردازد یا از اموال بیت‌المال مسلمین یا آنکه در پرداخت از هر دوی اینها مخیر است.

بر اساس روایت صحیح السندی که ابی‌ولاد از امام صادق (ع)، نقل می‌کند آمده است که ایشان فرمودند: «در بین اهل ذمه معاقله (نهاد عاقله) وجود ندارد بلکه در جنایاتی که اهل ذمه انجام می‌دهند - خواه قتل باشد یا جراحت - دیه از اموال خودشان گرفته می‌شود و اگر اموالی نداشته باشند مسئولیت پرداخت دیه متوجه امام مسلمانان می‌شود زیرا اهل ذمه به امام جزیه می‌پردازند همانند برده‌ای که به مولای خود مالیات می‌دهد...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۶۴/ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۴۱/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۷۰) ذیل روایت، بیانگر قاعده هزینه فایده

(قاعده من له الغنم فعليه الغرم) بوده و در واقع علت مسئولیت امام در پرداخت دیه را مشخص می‌کند که امام به این دلیل دیه می‌پردازد که از آنها جزیه می‌گیرد. از آنجا که مطابق نظر قریب به اتفاق فقها جزیه اراضی مفتوحه جزو بیت‌المال مسلمان‌هاست نه اموال منصب امامت (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۱۹۰ / علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۹۳ / ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۷۸ / محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۹۳) همچنین جزیه اراضی صلحیه نیز بنا بر نظر اکثر فقها همان حکم اراضی مفتوحه را دارد (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۹۳ / شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۷ / فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۳۱ / فیض کاشانی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۲۲ / نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۱، ص ۱۷۱-۱۷۲) باید بگوییم که امام جزیه را به نیابت از مسلمان‌ها و به‌عنوان مسئول اداره بیت‌المال مسلمان‌ها می‌گیرد و به همان عنوان نیز دیه را از همان محل می‌پردازد هرچند که به محل پرداخت دیه توسط امام تصریح نشده است. البته این احتمال نیز قابل اعتناست که باتوجه به تعبیر «هُم مَمَالِیکَ لِلْإِمَامِ» که در ذیل روایت آمده و ایشان را به ممالیک امام که باید مالیات و ضریبه به امام بپردازند، محل دریافت و پرداخت جزیه اموال منصب امامت باشد. همچنانکه که احتمال قوی‌تر آن است که امام بنا بر اطلاق روایت بتواند از هر مالی که تحت اختیارش هست، دیه را بپردازد و چه بسا تصریح نشدن به محل پرداخت دیه حکایت از آن داشته باشد که همگی این اموالی که در اختیار امام است، بدون هیچ تفاوتی در مصالح مسلمان‌ها که امام تشخیص می‌دهد، مصرف می‌شود. ضمن اینکه در این روایت صرفاً به پرداخت دیه از سوی امام اشاره شده است که با تمسک به اطلاق آن امام می‌تواند از هر مالی که در اختیار دارد، دیه را بپردازد.

علاوه بر روایت ابی‌ولاد، روایات دیگری نیز با همین مضمون نقل شده است از جمله روایت ابو بصیر از امام صادق (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۶۵ / طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۶۱) روایت سلیمان بن خالد از امام صادق (ع)

(صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۹۹/ نیز ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۶۶-۱۶۹/ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۹۸-۱۰۰/ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۶۰-۳۶۲) و روایت سلمه بن کهیل از امام علی (ع) (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۶۴-۳۶۵/ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۴۰-۱۴۱/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۷۱-۱۷۲).

در این گونه روایات با اینکه مشخص نشده است که امام از چه محلی دیه را می‌پردازد لیکن باتوجه به اینکه مصرف بیت‌المال مسلمان‌ها در مصالح مسلمین بوده (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۹۳/ شهید ثانی، ۱۴۱۹، ص ۴۶۸/ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۰۳) و هدر نرفتن خون از طریق پرداخت دیه از مهم‌ترین موارد مصرف بیت‌المال است از این روی امام می‌تواند دیه را از محل بیت‌المال مسلمان‌ها پرداخت کند کما اینکه می‌تواند دیه را از محل اموال منصب امامت که آن هم در جهت مصالح جامعه اسلامی هزینه می‌شود (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۴۳، ص ۴۳۴/ کاشف‌الغطاء، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۵۸/ مشکینی، ۱۴۱۸، ص ۴۳-۴۴) پرداخت کند.

۲-۲. پرداخت دیه بوسیله امام از بیت‌المال

این دسته از روایات، صراحت دارد که امام دیه‌ای را که می‌پردازد از محل بیت‌المال است. برید بن معاویه عجلّی در روایت صحیحی می‌گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم: شخص مومنی (شیعه‌ای) شخصی را که به ناصبی بودن معروف است، برای خشنودی خداوند تبارک و تعالی به قتل رسانده است، آیا قاتل را باید قصاص کرد؟ امام فرمودند: «اینان (قضات و حکام جور زمان) چنین قاتلی را قصاص می‌کنند درحالی‌که اگر مرافعه به نزد امام عادل (و مبسوط‌الیدی) برده می‌شد چنین قاتلی را قصاص نمی‌کرد.» از امام پرسیدم: یعنی خون مقتول پایمال می‌شد؟ امام فرمودند: «خیر بلکه اگر مقتول ورثه‌ای داشته باشد، امام باید دیه مقتول را از بیت‌المال به آنها پرداخت نماید...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۷۴/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۱۳) روایات دیگری نظیر روایت سکونی از امام صادق (کلینی، ۱۴۰۷،

ج ۷، ص ۳۵۵). روایت یونس بن عبدالرحمان (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۷۲) نیز در این دسته جای می گیرند.

در روایت برید هرچند بیت المال به طور مطلق ذکر شده است، اما مقصود از آن به قرینه روایت دسته چهارم و پنجم بیت المال مسلمان هاست. افزون بر آن متبادر از واژه بیت المال - به دلیل کثرت استعمال و شیوع کاربرد آن در بیت المال مسلمین و عدم استعمال آن در بیت المال امام - همان بیت المال مسلمین است. اصولاً اموال منصب امامت از این جهت که صرف مصالح مسلمین می شود، به نوعی اموال مسلمین و جامعه اسلامی است و اموال مسلمین نیز از این جهت که به طور کامل در اختیار امام است کانه مال اوست و از این رو دوگانگی بین این دو بی معناست.

۲-۳. پرداخت دیه از بیت المال

در یک دسته از روایات، به پرداخت دیه از بیت المال تصریح شده است لیکن نه اشاره ای به پرداخت کننده دیه شده است و نه اشاره ای به این موضوع که آیا پرداخت دیه از بیت المال امام است یا بیت المال مسلمانان. به نمونه ای از این گونه روایات اشاره می شود:

در ذیل روایت معتبری که ابو بصیر از امام صادق (ع) نقل می کند آمده است: «اگر جنازه مقتولی در بیابانی یافت شود دیه او از بیت المال پرداخت خواهد شد. همانا حضرت امیر (ع) همواره می فرمودند: خون مسلمان هدر نمی رود.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۶۲/ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۰۰) روایت مسعدة بن زیاد از امام صادق (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۰۶)، روایت برید بن معاویه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۹۵/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۳۲) و مسمع بن عبدالملک (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۵/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۰۱) در همین دسته جای می گیرند.

با عنایت به توضیحاتی که در دسته قبل داده شد، بیت المال انصراف به بیت المال مسلمین دارد ضمن اینکه در اینجا قرینه دیگری نیز بر تقویت این

ادعا وجود دارد و آن اینکه در برخی از روایات این دسته مانند روایت مذکور در بند ب نسخه بدل بیت‌المال، بیت‌المال مسلمین است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۳۲) ازسوی دیگر پرداخت دیه قتل در زحام و قتیلی که قاتلش ناشناس هست، مطابق مشهور قوی فقها و بلکه به اجماع آنها (ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۴۱۵) از بیت‌المال مسلمان‌هاست و این بدان معناست که فقها نیز از عبارت بیت‌المال در این روایات، بیت‌المال مسلمان‌ها را فهمیده‌اند. جالب آنکه ابن‌ادریس که در مواردی عبارت بیت‌المال در کلمات فقها و گاه روایات را به بیت‌المال امام تفسیر میکند در این موضوع به صراحت مقصود از بیت‌المال را به بیت‌المال مسلمین تطبیق داده است (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۵۹) پرداخت کننده دیه نیز هرچند در روایت مشخص نشده اما معلوم است که مسئول پرداخت از بیت‌المال همان متولی بیت‌المال است که حاکم اسلامی باشد. به این امر در روایات دسته پنجم تصریح شده است.

۲-۴. پرداخت دیه از بیت‌المال مسلمان‌ها

بر اساس دسته‌ای از روایات پرداخت دیه بر عهده بیت‌المال مسلمانان قرار داده شده است؛ برای نمونه در حدیث معتبری ابی‌مریم از امام باقر (ع) روایت می‌کند که حضرت امیر (ع) در مورد خطاهای قاضیان که منجر به قتل یا جرح می‌شد چنین رویه‌ای داشتند که دیه را بر عهده بیت‌المال مسلمانان قرار می‌دادند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۴) مشابه روایت مزبور از طریق اصبع‌بن‌نباثه و با سند معتبر نیز وارد شده است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۷/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۱۵).

علاوه بر روایات ذکر شده در روایات متعددی دیگری پرداخت دیه بر عهده بیت‌المال مسلمان‌ها قرار گرفته است مانند روایت ابو بصیر از امام باقر (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۹۴/ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۰۳/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۳۱)، روایت سلیمان بن خالد از امام صادق (ر.ک: حرّ

عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۲۵۳) روایت مربوط به قضاوت امام حسن در قتل (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۱۶/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۷۳) روایت ابو بصیر از امام صادق (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۶) روایت سلیمان بن خالد از امام صادق (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۳۳/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۳۹۰) و روایت برید بن معاویه از امام باقر (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۰۶).

در این روایات همانند روایات دسته قبل هرچند اشاره نشده است که چه شخصی دیه را می‌پردازد اما معلوم است که چنین شخصی امام معصوم یا حاکم و والی منصوب از سوی اوست که اداره اموال عمومی و تدبیر امور جامعه را بر عهده دارد و خطاب و تکالیفی از این دست متوجه اوست. باتوجه به این توضیح روایات این دسته با روایات دسته قبل و دسته بعدی را باید بیانگر یک موضوع دانست.

تذکر این نکته ضروری است که حتی بنا بر تفکیک اموال امامت و اموال مسلمین از هم، باید توجه داشت که تکلیف به پرداخت دیه از بیت‌المال مسلمان‌ها، امکان پرداخت دیه از سایر اموال تحت اختیار امام را نفی نمی‌کند زیرا از روایت انحصاری بودن پرداخت دیه از بیت‌المال مسلمان‌ها فهمیده نمی‌شود به‌ویژه اینکه اگر قائل به چنین انحصاری شویم، هدر رفتن خون مسلمان، در مواردی که بیت‌المال مسلمان‌ها مالی نداشته باشد، لازم می‌آید.

۲-۵. پرداخت دیه بوسیله امام از بیت‌المال مسلمان‌ها

در دسته‌ای از روایات، پرداخت دیه برعهده امام و از بیت‌المال مسلمانان قرار گرفته است؛ از جمله: محمد بن مسلم در روایت صحیحی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «در زمان خلافت حضرت امیر (ع)، مردم در یک روز جمعه‌ای ازدحام کردند. در این ازدحام شخصی کشته شد و حضرت دیه مقتول را از بیت‌المال مسلمانان به اولیای او پرداخت نمودند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۵/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۰۲).

در روایت سوار (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۴/ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۰۹/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۰۲) روایت حسین بن خالد از امام موسی کاظم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۸۵) و روایت مرفوعه‌ای که قاضی نعمان مغربی از امام باقر نقل کرده‌اند (قاضی نعمان، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۲۹) مسئول پرداخت دیه امام معرفی و محل پرداخت دیه بیت‌المال مسلمان‌ها معرفی شده است.

۲-۶. استعمال هر دو تعبیر در یک موضوع

در برخی از روایات باب دیات گاه پرداخت دیه بر عهده امام و گاه بر عهده بیت‌المال مسلمان‌ها قرار گرفته است از جمله در روایات وارده در موضوع دیوانه مهاجم. بر اساس این روایات هر گاه مجنونی که به دیگری هجوم برده است، توسط مدافع به قتل برسد، قاتل به دلیل دفاع از خود و مقررات دفاع مشروع، مسئولیتی نسبت به قتل مجنون ندارد با این حال برای باطل نشدن خون مجنون، خونهای او باید توسط حاکمیت پرداخت شود. تعبیر روایاتی که در این موضوع مطرح شده، متفاوت است به این ترتیب که در روایت ابوبصیر که دارای سندی معتبر است آمده که دیه مقتول از بیت‌المال مسلمان‌ها به ورثه اش داده خواهد شد...» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۷۱) درحالی‌که در روایت ابی‌الورد - که بنا بر تحقیق دارای سند معتبری است^۱ - آمده که دیه مقتول بر عهده امام بوده و خون مقتول هدر نمی‌رود» (همان) مشابه روایت مجنون مقتول، در روایات ناظر به قسامه نیز گاهی مسئول پرداخت امام و گاه بیت‌المال معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۶۰-۳۶۲) هرچند ممکن است در ابتدای امر بین این گونه روایات از حیث پرداخت کننده دیه منافات دیده شود لیکن منافاتی بین این گونه روایات وجود ندارد و هر دو عنوان بیان از یک امر دارند. صحیح‌ه

۱. روایت به دلیل وجود ابی‌الورد تضعیف شده است، لیکن بسیاری از فقها به مضمون آن عمل کرده و به معتبر بودن سند روایت تصریح کرده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۸/ مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۳۰۶/ مجلسی دوم، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص ۴۸۹).

عبدالله بن سنان و عبدالله بن بکیر را می‌توان شاهد و قرینه‌ای بر عدم تفاوت ماهوی یا دستکم هزینه کردی بیت‌المال مسلمان‌ها با اموال منصب امامت دانست. در این روایت از قول امام صادق (ع) آمده است: «حضرت علی (ع) در مورد شخصی که به قتل رسیده بود و قاتل او شناسایی نشده بود چنین فرمودند: اگر هویت مقتول مشخص باشد و اولیای دم او مطالبه دیه داشته باشند، باید دیه اش از بیت‌المال مسلمانان پرداخت شده و خون مسلمان پایمال نشود. زیرا امام همانگونه که میراث دار شخصی است که وارثش معلوم نباشد همینگونه نیز پرداخت کننده دیه شخصی است که قاتلش معلوم نباشد...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۵/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۰۲) همانگونه که ملاحظه می‌شود پرداخت دیه از بیت‌المال مسلمین با پرداخت دیه از سوی امام یکی فرض شده است^۱ این تفنن عبارت نه ناشی از غفلت و مسامحه بلکه حکایت از وحدت و یگانگی ماهیت یا دستکم مصرف بیت‌المال مسلمان‌ها از اموال امام است. از این‌گونه روایات به‌دست می‌آید که فرقی از حیث هزینه کرد بین اموالی که تحت عناوین مختلف در اختیار امام است وجود ندارد و امام به‌عنوان اداره کننده هر دو، می‌تواند به صلاحدید خود از هر یک که خواست، دیه را بپردازد.

می‌توان اضافه کرد: که در بحث دیه و ارث عناوین امام، بیت‌المال و بیت‌المال مسلمین از نظر مسلمانان تفاوتی نداشته و از این رو روایان اخبار در نقل روایات به‌دلیل روشن بودن مساله و یکی تلقی شدن این دو عبارت در نزد مخاطبان خود، در به کارگیری هر یک از این واژگان محذوری احساس نمی‌کرده‌اند. به همین دلیل است که مرحوم حرّ عاملی که در ذیل هر روایتی معمولاً به موارد اختلاف عبارتی روایات در کتب اربعه اشاره دارد، در

۱. در برداشت ذیل روایت اختلافی وجود دارد. ترجمه روایت بر اساس متن فوق بنابر برداشت مولف کتاب وافی است (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص ۸۳۴).

مواردی که در برخی منابع روایی و در یک روایت خاص، عبارت بیت‌المال آمده و در همان روایت در منبع دیگر عبارت بیت‌المال مسلمین آمده است، متذکر این موارد اختلافی نمی‌شود چه اینکه در نظرایشان تفاوتی بین این دو عنوان نیست.

۳. نسبت بین بیت‌المال امام و مسلمین در روایات ارث

مشابه اختلاف موجود در روایات باب دیات در روایات باب ارث نیز وجود دارد. روایاتی که در مورد وارث شخص سائبه - در صورتی که وی وارثی از خویشاوندان نداشته باشد و با شخصی نیز قرارداد ضمان جریره نبسته باشد - وارد شده است و نیز روایات وارده در مورد شخصی که ورثه مسلمانی ندارد، از این جمله است.

۳-۱. ارث مسلمان بی‌وارث

در روایاتی که در موضوع ارث شخص بدون وارث مسلمان وارد شده است، به چهار دسته روایات بر می‌خوریم: روایاتی که ارث چنین شخصی را متعلق به امام می‌داند؛ روایاتی که ارث چنین شخصی را متعلق به بیت‌المال مسلمان‌ها می‌داند؛ روایاتی که آن را از انفال می‌داند و روایاتی که ماترک را متعلق به همشهریهای متوفی می‌داند. که از هر دسته به نقل یک روایت بسنده خواهیم کرد:

۱- در دسته‌ای از روایات وارث شخص بلا وارث بیت‌المال مسلمین معرفی شده است از جمله در روایت صحیح‌ه ابی‌ولّاد حنّاط، از امام صادق (ع) آمده است: مسلمانی، مسلمان دیگر را به قتل رسانده است. هیچ یک از اولیای دم مقتول مسلمان نیستند بلکه همگی از اهل ذمه هستند، حال چه باید کرد؟ امام فرمودند: «امام باید اسلام را بر اولیای دم عرضه کند اگر برخی از آنها اسلام بیاورند، همانها ولی‌دم مقتول خواهند بود ... ولی اگر هیچکدام اسلام نیاوردند در اینصورت امام ولی‌دم مقتول خواهد بود که اگر خواست قصاص

می‌کند و اگر خواست دیه گرفته و آن را در بیت‌المال مسلمانان قرار می‌دهد. زیرا همانگونه که پرداخت جنایت چنین شخصی بر عهده امام است دیه او نیز مال امام است. ابی‌ولاد می‌گوید از امام پرسیدم آیا امام حق دارد قاتل را عفو کند؟ امام فرمودند: خیر این حق مربوط به تمام مسلمین است...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۹/ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۰۷/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۷۸) صحیح‌ه سلیمان بن خالد از امام صادق نیز مشابه مضمون همین روایت است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۳۳/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۳۷۰) چنانکه ملاحظه می‌شود در قسمت اخیر روایت دیه را متعلق به امام و یک سطر پیش‌تر و بعدتر، ماترک متعلق به بیت‌المال مسلمین قلمداد شده است. این روایت به روشنی حکایت از آن دارد که تفاوتی بین اقسام اموال عمومی (بیت‌المال مسلمانان و اموال منصب امامت) در عمل وجود ندارد حال یا به این دلیل که ماهیت واحدی دارند یا مصارف آنها واحد است و تفاوتی از حیث هزینه کرد ندارند. موضوع این روایت هرچند دیه مقتول است لیکن دیه با سایر ماترک متوفا تفاوتی از حیث احکام ارث نداشته و از این روی موضوع این روایت قابل تعمیم بر تمامی احکام ارث است.

۲- وارث‌بودن امام: در ذیل روایتی که حَمَزَةُ بْنُ حُمَرَانَ از امام صادق (ع) نقل می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۳۰) آمده است اگر شخصی که وارثی ندارد از دنیا برود درحالی که با هیچ یک از مسلمانان عقد ضمان جریره را نبسته و شخصی ضامن جریره او نشده باشد، میراث او متعلق به امام مسلمین است. بر اساس مفاد این روایت اگر شخص متوفی، وارثی داشته باشد اعم از خویشان و معتق و ضامن جریره، ماترکش به آن‌ها می‌رسد و اگر هیچ وارثی نداشته باشد، ماترک او متعلق به امام است.

۳- از انفال‌بودن ماترک: مطابق روایت معتبری که حلبی از امام صادق (ع) نقل می‌کند، امام می‌فرمایند: «کسی که بمیرد و وارثی نداشته باشد اموال و

ماترکش جزو انفال است» (همان، ج ۹، ص ۳۸۶) صحیح‌ه‌ای محمد بن مسلم از امام باقر (همان، ص ۳۸۷) و روایت حلبی از امام صادق (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۶۸) نیز مضمونی مشابه این روایت دارند.

۴. در برخی روایات ضعیف‌السند مانند روایت خلاد سندی از امام صادق (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۳۸۷/ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۶۹) و روایت مرسله دیگری (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۳۳/ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۳۸۷) میراث چنین شخصی همشهری‌های او ذکر شده که به دلیل اعراض فقهای امامیه از مضمون این روایات، از ذکر آن خود درای می‌شود.

ممکن است کسی قائل به تعارض بین این روایات شود لیکن به نظر می‌رسد روایات مزبور تعارضی نداشته و همگی بیانگر یک چیز هستند و آن این است که اموال شخص لا وارث در اختیار امام مسلمین است که آن را در مصالح مسلمان‌ها هزینه می‌کند. به اعتبار اینکه در مصالح مسلمین هزینه می‌شود، می‌توان گفت ارث بلا وارث متعلق به مسلمان‌هاست و به اعتبار اینکه امام به عنوان متولی امور مسلمان‌ها آن را اخذ می‌کند می‌توان گفت این اموال به امام می‌رسد و تحت اختیار او قرار می‌گیرد و به اعتبار این که در اختیار امام است می‌توان آن را جزو انفال دانست. موید این مطلب روایتی است که قاضی نعمان مغربی نقل کرده که امام صادق فرمودند کسی که بمیرد و وارثی نداشته باشد ماترکش از انفال است که در بیت‌المال قرار داده می‌شود زیرا جنایت (خطایی) چنین شخصی بر بیت‌المال است» (قاضی نعمان، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۹۱).

به نظر می‌رسد ارث بلا وارث با هر ماهیتی که باشد خواه از اموال منصب امامت و متعلق به شخصیت حقوقی امام باشد، خواه از انفال باشد که آن هم از اموال منصب امامت است و خواه از اموال عمومی و بیت‌المال مسلمان‌ها باشد، چون مصرف واحد داشته و مسئول و اداره کننده واحدی نیز دارند، تفکیک این دو چندان منشا اثر نخواهد بود. هرچند که بر مبنای

تفکیک این دو به دلیل اسناد قوی تر، ظهور قوی تر و کثرت روایاتی که میراث شخص بدون وارث را از بیت المال می دانند، بر سایر روایات ترجیح خواهند داشت.

۳-۲. ارث سائبه

سائبه برده ای است که مولایش او را در راه خدا تبرعا یا به عنوان ادای یک واجب شرعی مانند کفاره است آزاد کرده و در حین آزادی او هرگونه مسئولیت خود نسبت به جنایات احتمالی برده را از خود سلب کرده است. در روایات وارده در موضوع وارث سائبه که نه وارثی از خویشان دارد و نه ولاء عتق و ولاء جریره ای، دو رویکرد و مضمون به چشم می خورد. در دسته ای از این روایات، ارث چنین شخصی به بیت المال مسلمین و در برخی دیگر از روایات متعلق به امام مسلمین دانسته شده است که از نظر می گذرد:

۱. در روایت معتبر دیگری که معاویه بن عمار آن را نقل کرده از قول امام صادق (ع) می فرماید: «برده ای که آزاد می شود و سائبه هست می تواند هر که را بخواهد ولاء خود قرار دهد و کسی که ولاء او را به گردن گرفته است ضامن جریره و همچنین وارثش خواهد بود و اگر سائبه تا زمان مرگش کسی را به ولاء برنگزیند، ماترکش در صورتی که خویشاوندی نداشته باشد، در بیت المال مسلمان ها قرار خواهد گرفت.» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۳۹۴/ نیز ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۳۶) سلیمان بن خالد از امام صادق (ع) نیز مشابه همین مضمون را روایت کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۱۲۴).

مرحوم حرّ عاملی در ذیل روایت معاویه بن عمار سه احتمال مطرح می کند: احتمال صدور روایت به دلیل تقیه؛ احتمال اینکه مراد از بیت المال مسلمین در این روایت بیت المال امام باشد و احتمال اینکه ماترک سائبه جزو اموال امامت بوده لیکن امام مصلحت دانسته که آن را در بیت المال مسلمان ها قرار دهد (همان، ج ۲۶، ص ۲۴۹).

به نظر می رسد این احتمالات همگی قابل خدشه و ایراد باشد زیرا اگر

زمان حضرت صادق (ع) زمان تقیه بوده چرا در یک روایت تقیه شده و در دیگری تقیه نشده است.. احتمال اینکه مقصود از بیت‌المال مسلمان‌ها، بیت‌المال امام باشد نیز احتمالی خلاف ظاهر است چه اینکه پیش از این گفتیم که حتی عبارت بیت‌المال نیز منصرف به بیت‌المال مسلمین است و اما احتمال سوم نیز مردود است زیرا امام در مصرف بیت‌المال خودش - بر فرض وجود آن - محدودیتی ندارد که ناچار باشد به جای قراردادن ماترک سائبه در بیت‌المال امام آن را در بیت‌المال مسلمان‌ها قرار دهد. به عبارتی بنا بر تفکیک این دو عنوان، قراردادن اموال امامت در اموال مسلمین، اگر باعث محدودیت در هزینه کرد نشود، دست کم فایده و اثری نداشته و کاری عبث است. بنابراین احتمالی که قوی‌تر به نظر می‌رسد همان است که اصولاً به دلیل مصارف مشترک بیت‌المال مسلمان‌ها و اموال منصب امامت و نیز سیاست و مدیریت واحد بر آن دو، تفکیکی بین این اموال نمی‌شد است.

۲. وراثت امام: در روایت صحیح السندی که عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل کرده، آمده است: حضرت امیر المومنین در مورد برده سائبه‌ای که ولاء عتق ندارد فرمودند... اگر سائبه ولائی نگیرد، میراث او به امام مسلمین خواهد رسید» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۳۹۴) در روایت صحیح‌ه بریدبن معاویه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۷۱) روایت عمار بن ابی الاحوص (همان) و نیز روایت حمزه بن حمران (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۳۰/ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۲۵۰) به وراثت امام از سائبه متوفی تصریح کرده‌اند. برخی بین این دسته از روایات با دسته قبلی آن، تعارض دیده و در مقام رفع تعارض از روایات وجوهی را ذکر کرده‌اند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۳، ص ۷۴) لیکن به نظر می‌رسد همانگونه که برخی از فقها نیز تصریح نموده‌اند (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۹/ رحمتی، ۱۳۷۸، ص ۶۷۱) اصولاً هیچ تعارضی بین این دودسته از روایات وجود ندارد زیرا در دسته نخست به محلی که باید ارث چنین شخصی به آن منتقل شود (بیت‌المال)

اشاره شده است و در دسته دیگر به شخصی که باید اموال به ارث رسیده را ستانده و در آن محل (بیت‌المال) قرار دهد، اشاره شده است.

اختلافی که در مورد وارث شخص بدون وارث و سائبه وجود داشت، در مورد لقیط نیز وجود دارد. لقیط شخصی است که در کودکی پیدا شده تا زمان مرگ نه خویشاوندی پیدا کرده و نه کسی را ضامن جریره قرار داده است. چنین شخصی اگر فوت کند، نسبت به وارث ماترک او، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها (مفید، ۱۴۱۳، ص ۶۴۸ / طوسی، ۱۴۰۰، ص ۳۲۳ / ابن‌براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۶۹) وارث شخص لقیط را بیت‌المال و برخی دیگر (حسینی عاملی، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۱۱۵ / ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۰۸ / نجفی، ۱۳۶۶، ج ۳۸، ص ۱۸۹) امام مسلمین دانسته‌اند که حل ناهمگونی الفاظ روایت به همان است که گفته شد. چه بسا بتوان از همین تفنن و تنوع تعبیر به کار رفته در روایات باب ارث، نتیجه گرفت که: بیت‌المال مسلمین و بیت‌المال امام یا آن‌چنان که برخی از فقها احتمال داده‌اند (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۴۳، ص ۴۳۴) یک چیز باشد زیرا وقتی مدیریت، موارد مصرف آن واحد است، پس این اموال علی‌القاعده نباید دو ماهیت جداگانه داشته باشد. از این‌روی هیچ ایرادی وجود ندارد که به اموال منصب امامت نیز بیت‌المال مسلمین اطلاق گردد زیرا بیت‌المال امام نیز متعلق به مسلمین و راجع به مصالح آن‌هاست (همان/ کاشف‌الغطاء، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۵۸ / مشکینی، ۱۴۱۸، ص ۴۳-۴۴) یا آنکه به‌رغم تفاوتی که گاه از حیث منبع درآمدی بین دو نوع از اموال هست لیکن گاه منبع در آمدی مشترک داشته و در همه حال تحت مدیریت واحد و دارای مصارف مشترک هستند از این‌روی تفکیک این دو نوع اموال - خصوصاً در زمان حاضر که درآمدی برای اراضی مفتوحه متصور نیست - عملاً اثر چندانی نداشته و تمامی اموال اعم از عمومی و متعلق به منصب امامت در اختیار امام قرار داشته و از این‌روی امام در مصرف آن با لحاظ مصالح جامعه اسلامی اختیار کامل دارد.

نتیجه

به‌رغم اینکه در روایات وارده باب ارث و دیه، وارث ماترک شخص بدون وارث و مسئول پرداخت دیه، گاه (منصب) امام و گاه بیت‌المال و گاه بیت‌المال مسلمین، معرفی شده است لیکن با عنایت به این شواهد و دلایل مشخص شد که همگی این عناوین حکایت از مفهوم واحدی و اموال واحدی دارند.

اولین شاهد روایات باب ارث مانند روایات ناظر بر وارثان شخص بدون وارث، سائبه یا لقیط هستند که ارث‌بران گاه امام، گاه بیت‌المال مسلمان‌ها و گاه اموری مانند انفال معرفی شده که لازمه جمع غیر تبرعی بین آنها، یکی تلقی کردن آنهاست.

دومین شاهد روایاتی است که در موضوع واحدی (مانند پرداخت دیه مجنون یا روایات ناظر به قسامه) وارد شده است و مسئولیت پرداخت در برخی از آنها بر عهده بیت‌المال مسلمین و در برخی بر عهده امام مسلمین قرار گرفته است که جمع منطقی آنها این است که بگوییم این دو یکی بوده یا مصرف واحدی دارند.

سومین و مهم‌ترین شاهد و دلیل که تکمیل‌کننده شواهد پیشین است، روایاتی همچون صحیح‌ه ابی‌ولاد حناط است که در فقراتی از یک روایت مسئول پرداخت دیه یا وارث ماترک، بیت‌المال مسلمان‌ها و در فقره یا فقرات دیگر همان روایت، امام مسلمان‌ها معرفی شده است که نشان از وحدت مال امام و اموال مسلمین دارد.

آنچه که برداشت ما از یکی انگاشتن بیت‌المال مسلمان‌ها و بیت‌المال امام را کامل می‌کند آن است که در کتب و نقل‌های تاریخی شاهد یا قرینه‌ای مبنی بر اینکه به غیر از بیت‌المال مسلمانان، بیت‌المال دیگری تحت عنوان بیت‌المال امام وجود داشته باشد، گزارش نشده است.

اگر از روایات باب دیه و ارث، ماهیت واحد این دو نوع مال استنباط

نشود، دست کم در اینکه متولی این دو قسم از اموال واحد بوده و اداره و هزینه کرد هر دو تابع یک مکانیزم است، تردیدی وجود ندارد و همین مقدار در تلقی وحدت این دو نوع اموال کافی است و با این وصف عملاً - حتی اگر ماهیتاً با هم متفاوت باشند - اثری بر تفکیک این دو نوع مال مترتب نخواهد بود.

منابع

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور؛ السرائر؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ابن براج (قاضی ابن براج)، عبدالعزيز؛ المذهب؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ ق.
- ابن زهره، حمزه بن علی حسینی؛ غنیة النزوع؛ قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۷ ق.
- اردبیلی (محقق اردبیلی)، احمد بن محمد؛ مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان؛ تحقیق مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاودی و حسین یزدی اصفهانی؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- اصفهانی (مجلسی اول)، محمد تقی؛ روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه؛ ج ۲، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.
- اصفهانی (مجلسی دوم)، محمد باقر بن محمد تقی؛ ملاذل الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۶ ق.
- جمعی از پژوهشگران (زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی)؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ۰۰٪؛ قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اهل بیت ۰۰٪، ۱۴۲۶ ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: مؤسسه آل البيت ۰۰٪، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی، سید رضا؛ «بیت المال»، دانشنامه امام علی (ع)؛ ج ۷، چ ۴، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۱-۴۳۸.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد؛ مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
- حقانی زنجانی، حسین؛ تحقیقی درباره انفال یا ثروت های عمومی؛ [بی جا]: نشر معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء (ع)، ۱۳۷۴.
- حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف بن مطهر؛ إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان؛ ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق.
- حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
- حلی (محقق حلی)، نجم الدین جعفر بن حسن؛ المختصر النافع فی فقه الإمامیه؛ ج ۶، قم: مؤسسه

المطبوعات الدينية، ۱۴۱۸ ق.

حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف بن مطهر؛ تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية؛ مشهد: مؤسسه آل البيت ۰٪، [بی تا].

خمینی، سید روح الله؛ کتاب البیع؛ ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، [بی تا].
خویی، سید ابوالقاسم؛ تکملة منهاج الصالحين؛ قم: نشر مدينة العلم، ۱۴۱۰ ق.

رحمان ستایش، محمد کاظم؛ دانشنامه جهان اسلام؛ زیر نظر غلامعلی حداد عادل؛ ج ۵، تهران: انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹.

رحمتی، محمد؛ أنجاز العادات؛ ج ۱ و ۲، قم: مؤلف، ۱۳۷۸.

سجادی، صادق؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ ج ۱۳، تهران: ناشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.

صدر، سید محمد؛ ماوراء الفقه؛ بیروت: دارالأضواء للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۰ ق.

صدر، سید محمد باقر؛ اقتصادنا؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی - شعبه خراسان، ۱۴۱۷ ق.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.

طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع؛ ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ الإستبصار فیما اختلف من الأخبار؛ تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ ق.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ المبسوط فی الفقه الإمامية؛ تحقیق محمد تقی کشفی؛ ج ۸، چ ۳، تهران: انتشارات مرتضویه، ۱۳۸۷ ق.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ النهاية فی مجرد الفقه والفتاوى؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ ق.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ تهذیب الأحكام؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی؛ غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۱۴ ق.

عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية؛ تحقیق سید محمد کلانتر؛ قم: انتشارات داوری، ۱۴۱۰ ق.

عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام؛ قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ ق.

عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ فوائد القواعد؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ ق.

فاضل آبی، حسن بن ابی طالب؛ کشف الرموز فی شرح مختصر النافع؛ ج ۳، قم: دفتر انتشارات

- اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله؛ التفتیح الرائع لمختصر الشرائع؛ تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمره‌ای؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
- فاضل هندی، محمد بن حسن؛ کشف اللثام عن قواعد الأحكام؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۰ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن؛ مفاتیح الشرائع؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، [بی تا].
- فیض کاشانی، محمد محسن؛ الوافی؛ ج ۱۶، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- قاضی نعمان، ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی؛ دعائم الإسلام؛ ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت ۰۰٪، ۱۳۸۵ق.
- قمی سبزواری (محقق سبزواری)، محمد باقر بن محمد؛ کفایة الأحكام؛ ج ۲، اصفهان: انتشارات مهدوی، [بی تا].
- کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی بن محمد رضا؛ تحریر المجله؛ نجف: المكتبة المرتضویه، ۱۳۵۹ق.
- کاشف الغطاء، مهدی؛ مورد الأنام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۱، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء، [بی تا].
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۷، ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- محقق کرکی، علی بن حسین؛ جامع المقاصد؛ ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت ۰۰٪، ۱۴۱۴ق.
- محقق کرکی، علی بن حسین؛ رساله قاطعه اللجاج فی تحقیق حل الخراج؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
- مشکینی، میرزا علی؛ الفقه المأثور؛ ج ۲، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۸ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ المقنعه؛ قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)، ۱۴۱۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ أنوار الفقاهة - کتاب الخمس والأنفال؛ قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۱۶ق.
- منتظری، حسینعلی؛ دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیه؛ ج ۳ و ۴، ۲، قم: نشر تفکر، ۱۴۰۹ق.
- نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ تحقیق عباس قوچانی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۶.